

بازگشت شبح پینوشه

به شیلی؟



احمدغلامی

«اگر سری به گورستان عمومی شهر سانتیاگو در شیلی بزنید، در یک سوی گورستان و کنار حواشی آن، لوحی بزرگ و پهن از سنگ گرانیت می‌بینید؛ دیوار یادبودی که در فوریه ۱۹۹۴، چند سال پس از بازگشت دموکراسی به وطن من، آنجا برافراشته شده است. تعدادی نام، بیش از چهار هزار، روی سطح این دیوار حک شده که همگی قربانیان نیروهای امنیتی دوران دیکتاتوری ژنرال آگوستو پینوشه هستند؛ دورانی که از ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۳ تا اول مارس ۱۹۹۰ دوام داشت. کنار نام هزارو دو نفر از مردان و زنان روی دیوار، هیچ تاریخ مرگی حک نشده است؛ اینها desaparecidos هستند، ناپدیدشدگانی که خانواده‌هایشان هنوز نتوانسته‌اند به خاک‌شان بپیازند».
آریل دورفمن، نویسنده آرژانتینی-شیلیایی در دوران وحشت یا دوران پینوشه، ۱۰ سال را در تبعید گذراند و بهترین و نزدیک‌ترین دوستانش را بعد از کودتای ۱۹۷۳ پینوشه از دست داد. اگرچه دورفمن مشاور غیررسمی فرناندو فلورس، رئیس دفتر سالوادور آلنده، رئیس‌جمهور منتخب و محبوب شیلی بود، اما مردم جهان ازجمله ایرانیان او را به‌عنوان رمان‌نویس می‌شناسد. بسیاری کتاب «ناپدیدشدگان» او را خوانده‌اند و می‌دانند زنان بینوا و گرسنه شیلی در پی ناپدیدشدن شوهرانشان چگونه سراسیمه به دنبال نشانی از آنها و اجسادشان می‌گشتند. دورفمن بیان شخصیت پینوشه را این‌گونه به تصویر می‌کشد: «وقتی زندگی‌نامه خودنوشتش را می‌خواندم -کودکی سبکبارش در دهه ۱۹۲۰ در بندر والپارایزو، شیطنت‌های دوران دانشجویی‌اش در دانشگاه افسری دهه ۱۹۳۰، سه کتاب مجبورش درباره ژئوپولیتیک که در آنها حتی یک کلام حرف جنجال‌برانگیز یا موضع‌گیری سیاسی به چشم نمی‌خورد، کارنامه نظامی کسالت‌بار و بی‌حادثه‌اش - نمی‌توانستم این حس را کنار بزنم که داشته پنهان می‌شده، تمام عمرش شاید حتی از خودش داشته پنهان می‌شده، از بچگی یاد گرفته که به هیچ‌کس، شاید حتی به آینه روبه‌رویش یا به همسرش هم نگوید که واقعا کیست، نگوید که روزی می‌تواند چه کسی باشد». این ویژگی پنهان‌کاری که دورفمن از آن سخن می‌گوید، درباره بسیاری از دیکتاتورها ازجمله هیتلر هم صادق است. مردی که با رای دموکراتیک مبردم روی کار آمد و جنایتش به دست میلیون‌ها نفر که به او رای داده بودند و صدا نفر از نزدیکانش که بی‌چون‌وچرا به فرامین او گردن می‌نهادند، رقم خورد. دورفمن درباره دوران پینوشه می‌گوید: «می‌دانستم این جنایات تنها در صورتی می‌توانست رخ بدهد که هزاران نفر دیگر هم کمک کنند و میلیون‌ها نفر به تماشا بایستند». این دریافت به این معناست که هرکدام از ما در اتفاقاتی که رخ می‌دهد مسئول هستیم. چه بی‌تفاوت ایستاده باشیم، چه زمانی که هورا می‌کشیم و چه زمانی که مشارکت می‌کنیم، در جنایت دیکتاتورها سهیم هستیم. پینوشه و هیتلر، مصداق واقعی مفهوم «کارزورو» (Cazurro) هستند؛ مفهومی که از توان ویرانگر فریبکاری حکایت دارد؛ فریبکاری عمیقی که زیر شلوایی از گمنامی پنهان شده است. و پینوشه به تعبیر دورفمن، مصداق تمام‌عیار کارزورو بود که «تمام زندگی‌اش پنهان شده بوده». آیا حوزه اتنونیو کاست، رئیس‌جمهور جدید شیلی، ادامه تاریخی همین مفهوم است؟ آیا کابوس و شیخ پینوشه این بار به دست مردم این کشور سر از گور تاریخ برداشته تا به شاهدان تاریخ ثابت کند برای دیکتاتوری، باطل‌السحری وجود ندارد و دیکتاتورها قادرند حامیان خود را در هر زمانه‌ای و به انگیزه‌ای فرا بخوانند. آیا این بار نیز پیشگویی آریل دورفمن به وقوع پیوسته است: «او (پینوشه) برای همیشه ما را مسخره خواهد کرد که هیچ‌وقت از شر این بشر و میراث او خلاص نخواهیم شد». حوزه اتنونیو کاست پس از پیروزی در انتخابات ۲۰۲۵ به صراحت از پینوشه و دوران او ستایش کرد. او آلمانی‌تبار است و پدرش عضو حزب نازی بوده و در جنگ جهانی دوم برای ارتش آلمان جنگیده است. رؤسای جمهور دنیا پس از پیروزی کاست اظهارنظرهای متفاوتی کرده‌اند که در میان آنها، اظهار نظر رئیس‌جمهور کلمبیا چیزی نزدیک به وضع موجود شیلی است: «قیمت‌انگیز است که پینوشه مجبور بود با زور خود را تحمیل کند، اما غم‌انگیزتر این است که اکنون مردم دارند پینوشه خودشان را انتخاب می‌کنند».

^[1] انتخاب می‌کنند

شنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۴
۲۹ جمادی‌الثانی ۱۴۴۷
۲۰ دسامبر ۲۰۲۵
سال بیست‌ودوم
شماره ۵۲۸۴
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه
<i>روزنامه</i>

اقتصاددانان سیاست تک‌نرخی شدن ارز در شرایط تداوم تحریم را بررسی می‌کنند؛

تیغ دولبه ارز ترجیحی

شرق: با افزایش نرخ ارز غیررسمی در ماه‌های اخیر نه‌تنها حذف ارز ترجیحی به کالاهای اساسی مانند حبوبات، برنج و حتی برخی اقلام دارویی رسیده است که حتی زمزمه حذف کلی آن از بودجه سال آینده نیز شنیده می‌شود؛ موضوعی که به تعبیر بسیاری از متخصصان تجربه تلخ حذف ارز چهارهزار و ۲۰۰تومانی را تکرار کرده و شوک جدیدی به سفره خانوارها وارد می‌کند. هم‌زمان در شرایطی که فاصله میان نرخ ارز در تالار مبادله و نرخ بازار غیررسمی افزایش یافته، بانک مرکزی نیز تحت فشار سعی دارد با بالابردن نرخ‌های رسمی و انتقال تدریجی صادرکنندگان به تالار دوم، شکاف موجود را کاهش دهد تا بلکه صادرکنندگان انگیزه بیشتری برای بازگشت از پیدا کنند. البته طی سال‌های گذشته نیز سیاست‌گذار بارها در شرایط مشابه قرار گرفته و تنها میراث این سیاست فشار و تورم بیشتر برای مردم

گزارش «شرق» از موج جدید برخورد با پوشش دانشجویان دانشگاه شریف

گزارش «شرق» از موج جدید برخورد با پوشش دانشجویان دانشگاه شریف

تهدید به جای آموزش

صفحه ۱۰

اصلاح قانون احزاب در ایران، صرفاً یک اقدام تقنینی محدود یا اصلاحی شکلی نیست، بلکه مستقیم با کیفیت مشارکت سیاسی، کارآمدی نظام حکمرانی و نسبت دولت با جامعه سیاسی ارتباط دارد. احزاب سیاسی، در نظریه‌های کلاسیک و معاصر علم سیاست، به‌عنوان نهادهای واسط میان جامعه و حاکمیت شناخته می‌شوند؛ نهادهایی که هم وظیفه نمایندگی مطالبات اجتماعی را بر عهده دارند و هم رقابت سیاسی را از حالت پرهزینه، غیرشفاف و فردمحور، به مسیری قاعده‌مند و قابل پیش‌بینی هدایت می‌کنند. از این منظر، قانون احزاب نه یک قانون عادی در کنار سایر قوانین، بلکه بخشی از زیرساخت حقوقی نظم سیاسی محسوب می‌شود. در شرایط کنونی، وزارت کشور در مسیر تدوین لایحه‌ای برای اصلاح قانون احزاب قرار گرفته و برای این منظور، گفت‌وگوهایی با احزاب و جریان‌های سیاسی مختلف انجام داده است. اصل گفت‌وگو با ذی‌نفعان، به خودی خود اقدامی مثبت و نشان‌دهنده توجه به واقعیت‌های میدانی سیاست است. با این حال، پرسش اصلی این است که جایگاه این گفت‌وگوها در فرایند قانون‌گذاری چیست و چه منطقی باید بر متن نهایی قانون باشد. اگر هدف از این رایزنی‌ها، صرفاً کاهش اختلافات و دستیابی به متنی حداقلی با بیشترین شانس تصویب در مجلس باشد، خطر آن وجود دارد که قانون، به محصولی «بینایی» و کم‌اثر تبدیل شود.



افشین حبیب‌زاده

تجربه قانون‌گذاری در حوزه‌های سیاسی نشان می‌دهد قوانینی که با اولویت تصویب‌پذیری و مصلحت‌سنجی‌های کوتاهمدت نوشته می‌شوند، اغلب از ضعف‌های ساختاری رنج می‌برند. چنین قوانینی معمولاً مملو از ابهام، استثنا و ارجاعات کلی هستند و به‌جای حل مسئله، آن را به تفسیرهای بعدی و اجرای سلیقه‌ای واگذار می‌کنند. قانون احزاب، از آن دسته قوانینی است که اگر بر مبنای اصول روشن و پایدار تدوین نشود، در عمل نه رضایت حاکمیت را به‌طورکامل تأمین می‌کند و نه امکان فعالیت مؤثر و مسئولانه را برای احزاب فراهم می‌آورد. از منظر حقوق عمومی، نقطه عزمت هر اصلاحی در این حوزه، باید قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باشد. اصول مربوط به آزادی بیان، آزادی اجتماعات و راهپیمایی‌ها، آزادی تشکیل احزاب و جمعیت‌ها، حق مشارکت سیاسی شهروندان و شناسایی

یادداشت

عرصه سیاست، رفاق ووفاق ندارد



مهرداداحمدی‌شیخانی

حدود ۲۰ سال پیش، دو نفر از دوستانم تصمیم گرفتند پس‌اندازی را که طی سال‌ها کار فراهم کرده بودند، به ملک تبدیل کنند و زمینی و باغی بخرند. ابتدا قرار بود به شراکت این کار را بکنند و بعد به علی هرکدام جداگانه پیگیر خرید زمین شدند. یکی از آن دو باغی خرید و دیگری زمینی کشاورزی، هر دو هم زمین‌های سنددار، کار به قولنامه و محضر و ردوبدل کردن پول کشید و خرید انجام شد. دراین‌بین آن دوست دومی، قبل از اتمام معامله، یکی از رفقایاش را که دفتر ثبت اسناد داشت، با خود برد تا مدارک را از جنبه قانونی ببیند که غش در معامله نباشد و پس از تأیید این کارشناس اسناد، خرید را انجام داد و از مشاوره او بهره برد. اما آن دوست اولی چنین نکرد و هر دو معامله انجام شد. ۱۰ سال بعد برای آن رفیق اول مشکلی پیش آمد و باغی که خریده بود، مدعی پیدا کرد و معلوم شد در سند، جعل اتفاق افتاده و فروشنده، صاحب ملک نبوده و با کلی دردسر و پرداخت پولی گراف، بالاخره آن باغ انتقال سند واقعی شد. کل ماجرا هم برمی‌گردد به دو موضوع، اول اینکه ما در هر مسئله‌ای که تخصص نداریم و عقلاً باید در مسائل مختلف مشورت بگیریم و این مشورت هم برای این نیست که مشاور بیاید و از کاری که ما انجام می‌دهیم، تعریف و تمجید کند، بلکه کار اصلی مشاور و حتی تنها کار او هشداردادن درباره مسائلی است که او می‌بیند و ما حتی اگر با تمام توان دقت کنیم، قادر به دیدن و فهم آن نیستیم و دوم، شک و عدم اعتماد در معامله است. مطلقاً می‌توان گفت که در معاملات، وقتی کلاهبرداری اتفاق می‌افتد که پایه بر اعتماد باشد و ما با خیال راحت و اعتماد کامل وارد معامله می‌شویم و فرق هم نمی‌کند که این معامله از چه نوعی باشد، خواه معامله اقتصادی، خواه سیاسی و خواه هر معامله دیگر و حتی برای همین است که در ازدواج که طبیعتاً بر پایه عشق و علاقه شکل می‌گیرد، سندی تنظیم می‌کنند و امضا می‌گیرند و دو طرف که عاشق یکدیگرند، باید سند را کاملاً خوانده باشند و شاهد هم داشته باشند که آن شاهد هم این سند را امضا کنند. در ایام جنگ ۱۲روزه، از معاونت ارتباطات ریاست‌جمهوری تماس گرفتند و من را به جلسه‌ای دعوت کردند. در پایان جلسه از من پرسیدند چه کمکی می‌توانم به آن دفتر بکنم که خیلی صریح و به‌روشنی گفتنم که گمانم بر این است که ساختار اجرایی کشور نیاز به عیب‌جویی دارد و لازم است کسی یا کسانی را داشته باشید که شغل‌شان نق‌زدن و عیب‌جویی مکرر باشد و غیر از عیب‌جویی، کار دیگری نکنند و این بهترین کاری است که من می‌توانم برای شما انجام دهم و توضیح دادم که در محیط بهره‌وری، جایگاهی وجود دارد، با عنوان کنترل کیفیت که در آن، فقط به دنبال یافتن عیوب هستند. هرچه بود، این پیشنهاد من مقبول نیفتاد و گویا آن معاونت طالب کار دیگری از من بود که البته ندانستم چیست و هرچه

شرق

در «شرق» امروز می‌خوانید:
 • ترور رهبر قیام ۲۰۲۴ بنگلادش؛ خون در خیابان‌های داکا
 • چه کسانی از آلودگی هوا سود می‌برند؟
 • شکست اروپا در مصادره دارایی‌های روسیه

روایتی از نشست میان رئیس‌جمهور با احزاب

گفت‌وگو

در سایه اختلاف

برگزیده‌ها

«شرق» بین خطوط گفتار یزشکیان درباره واگذاری اختیارات مدیریتی را واکاوی می‌کند

دوروی تمرکززدایی

زنگ خطر تجزیه به صد درآمد

یمن یک قدم از صلح دورتر شد

انتخابات

و حق حاکمیت ملت

گزارشی از چهارمین نشست علمی بررسی اندیشه‌های آیت‌الله منتظری

تراکتور در یک بازی نفس‌گیر

و جذاب از سد پرسپولیس گذشت

صعودی به بلندای شب یلدا

رقص وشادی جمعی در برف

نگاه

زنده‌باد فوتبال منهای فحاشی

یادداشتی از مهدی ملکی

یادداشت

به بهانه هفته پژوهش



فخرالسادات محتشمی‌پور

عضو مؤسس انجمن زنان پژوهشگرتاریخ

می‌خواهم به بهانه هفته پژوهش از زнانی سخن بگویم که در همین دوران سخت و بحرانی تاریخ کشورمان که متأسفانه دغدغه عموم شهروندان معیشت و اداره زندگی‌شان با حداقلی‌ترین امکانات است، به تاریخ و فرهنگ این سرزمین کهن می‌اندیشند و تلاش می‌کنند تا فرزندان ایران را هرچه بیشتر با گذشته پرفرغ کشورشان آشنا کنند تا دستخوش بحران بزرگ بی‌هویتی حاصل از غلبه پدیده‌های نوظهور قرن و سلطه بازی‌های ابررسانه‌ها نشوند. ۲۶ سال پیش وقتی تعدادی از پژوهشگران تاریخ متأثر از فضای همدلی و هم‌آوایی دوره اصلاحات بر آن شدند تا انجمنی بیارایند و دغدغه‌های ملی و فرهنگی خویش را در قالب نهادی مدنی، انجمن زنان پژوهشگر تاریخ، پیگیر شوند، این اقدام برای برخی همکارانشان در حوزه تاریخ مبهم و سؤال‌برانگیز بود. اما جدیت و مداومت آنان در کاوش‌ها و پژوهش‌های تاریخی با محوریت «زن در تاریخ ایران» نه‌تنها تشویش‌ها و تردیدها را زدود، بلکه موجب آیفای نقشی انکارناپذیر در ترویج و تبیین «تاریخ‌نگاری زنان» در ایران شد، برگزاری سمینارهای تاریخی بین‌المللی، ملی و اخیراً محلی در حیطه تاریخ با تمرکز بر نقش و جایگاه زنان، منجر به نگارش مقالات متعددی شد و گاه برای اولین بار صفحات کهنه تاریخ را مقابل چشمان متحیر خواننده گشود و از آن غبارروبی کرد. امروز پس از ربع قرن تلاش جمعی حاصل پیوند پژوهشگرانی دردآشنا و دغدغه‌مند که راه نجات وطن را در فهم درست تاریخ و عبرت از آن دانستند، می‌توان با بهره‌گیری از تجارب و اندوخته‌های تاریخی طی دوره‌ای کهن، اکنون را بهتر مدیریت و سپری کرد و فردا را روشن‌تر تصویر کرد.

— ۷ — صفحه ادامه‌دار

این گفت‌وگودر ۶ بهمنآید.عکس:سهندناکی/شرق

یادداشت

اصلاح قانون احزاب؛ ضرورت بازنگری اصول محور

حقوق اقلیت‌های قانونی، چارچوبی صریح برای قانون‌گذاری عادی فراهم کرده‌اند. این اصول، نه توصیه‌های اخلاقی و نه گزاره‌های تزئینی، بلکه معیارهای الزام‌آور حقوقی‌اند که قانون عادی نمی‌تواند از آنها عدول کند. قانون احزاب، در صورتی که با این مبانی همخوانی نداشته باشد، حتی اگر از مسیر رسمی تصویب شود، از حیث مشروعیت حقوقی دچار ضعف خواهد بود. در کنار این مبانی داخلی، استانداردهای شناخته‌شده علم حقوق و علوم سیاسی نیز اهمیت اساسی دارند. بررسی تجربه کشورهایی با نظام‌های سیاسی متفاوت نشان می‌دهد که قوانین موفق احزاب، فارغ از قالب‌های ایدئولوژیک، بر چند اصل مشترک استوارند: شفافیت در تأسیس و فعالیت، برابری فرصت‌ها میان احزاب، پیش‌بینی‌پذیری مقررات، حداقل مداخله دولت در امور داخلی احزاب و تضمین حقوق اقلیت‌های سیاسی. این اصول، الزامات یک نظام سیاسی خاص نیستند، بلکه پیش‌شرط‌های شکل‌گیری رقابت سیاسی سالم و کم‌هزینه محسوب می‌شوند. البته نظام حقوقی ایران، همان‌گونه که بر آزادی‌های سیاسی تأکید دارد، بر حفظ مبانی دینی، اخلاق عمومی و منافع ملی نیز تصریح کرده است. تعارض میان این دو دسته از اصول، امری ذاتی و اجتناب‌ناپذیر نیست، بلکه اغلب ناشی از ضعف در طراحی حقوقی و فقدان توازن منطقی در قانون‌گذاری است.

— ۱۱ — صفحه ادامه‌دار

یادداشت

بود، عیب‌جویی و عیب‌یابی مدنظرشان نبود. در هر صورت من به‌عنوان یک فعال رسانه، طی این یک‌سال‌ونیم بر این باور بودهام که به‌عنوان یک هوادار دولت پزشکیان، لازم است که به شکلی صریح، عیوب را تذکر دهم و چنین هم کرده‌ام و می‌کنم. مثلاً یکی از این عیوب که از همان ابتدای کار این دولت، مکرر گفته‌ام، نقش و جایگاه خانواده رئیس‌جمهور در کنار اوست. چنین جایگاهی از دولت مرحوم هاشمی‌رفسنجانی، همیشه مورد پرسش بوده و خواهی‌نخواهی در مجادلات وزدخوردهای سیاسی که امری واقعی و اجتناب‌ناپذیر است، مورد استفاده رقبا قرار گرفته و به درست و غلط، هرکس به فراخور از آن به نفع خود بهره برده. در انتخابات سال پیش، با وقایعی که رخ داد، گروهی که خود را پس از انتخابات ۱۴۰۰ برای چند دهه آینده صاحب بلامنازع کشور می‌دیدند و حتی در انتخابات مجلس ۱۴۰۲ نشان دادند که با سه درصد آرا هم می‌توانند همه چیز را مال خود کنند، ناگهان مهم‌ترین قوه کشور را از دست دادند و با وجودی که جناب پزشکیان از وفای می‌گفت، همان‌طور که در یادداشت دو سال پیشم با عنوان «دست‌دادن با شیطان» نوشتم، سیاست عرصه رفاقت نیست و فرقی نمی‌کند در کجای جهانیم، حرفان سیاسی یکدیگر را شیطان می‌بینند و دست‌دادن با حریف را دست‌دادن با شیطان تصور می‌کنند، و نه اینکه دست ندهند، ولی از هر فرصت برای ضربه‌زدن به حریفی که شیطان می‌بینند، استفاده خواهند کرد. در ماجرای پرسروصداي سفر به قزاقستان نیز، حریف شکست‌خورده در انتخابات سال گذشته، بهترین فرصت را از دیدار خانواده رئیس‌جمهور از یک بازار خرید برای حمله به او مهیا دید و دیگر همان عیبی بود که از نخستین سفر رئیس‌جمهور معلوم بود؛ عیبی که ناچیز گرفته شد و مشاوران ایشان لازم ندیدند تذکر دهند و حالا که بیشترین تخریب علیه پزشکیان انجام شده، اعضای تیم رسانه‌ای رئیس‌جمهور که لازم بود قبلاً به ایشان این عیب را گوشزد کنند که جایگاه نامعلوم خانواده ایشان در ساختار ریاست‌جمهوری می‌تواند چشم‌آفتابدار دولت باشد، حالا می‌گویند این حواشی زرد و سفید نیاز به پاسخ‌گویی ندارد و بلافاصله در جایگاه پاسخ‌گویی می‌نشینند، چون بخواهیم با نخواهیم، شکست‌خوردگان در انتخابات بهترین بهره را از حضور قبلاً تعریف‌نشده خانواده پزشکیان در سفر قزاقستان برای تخریب او و خانواده‌اش ببرند و الحق هم چه زرد و چه سیاه و چه سرخ، به نتیجه‌ای که می‌خواستند، رسیدند. دراین‌میان تنها شانس ما شاید این است که این گروه مانند آن پری‌رو که تاب مستوری ندارد، هم‌زمان به سبک زندگی امروز مردم حمله می‌کند و کافه‌ها را مخرب و ماراتن را فاسد و پراید ضدگلوله را برای خود افتخار می‌داند. هرچه هست، اما همین ماجرا نشان داد که در سیاست، چقدر رفاق و وفای بی‌معنی است.

^[1] هست، اما همین ماجرا نشان داد که در سیاست، چقدر رفاق و وفای بی‌معنی است